

محیط‌شناسی «روستا» و اثر آن بر اتخاذ تصمیم قضایی پیرامون تغییر کاربری اراضی آن

(مطالعه موردی: رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰ دیوان عالی کشور)

حسن محسنی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۸/۸/۲۱

چکیده

کاربری‌گذاری برای زمین، برنامه‌ریزی با اهداف کوتاه یا بلند مدت به‌کارگیری آن است. در کنار این هدف‌گذاری و تعیین کاربری که برای تضمین اجرای درست، به قوانین و ضمانت اجراهای مدنی یا کیفری نیاز دارند، فلسفه و چیستی برخی پدیده‌ها نیز به‌طور ذاتی و طبیعی متضمن کاربری اراضی در محیط هستند. یکی از این پدیده‌ها و محیط‌ها، روستاست. در روستا همزیستی طبیعی با طبیعت است که کاربری اراضی به‌عنوان بخشی از محیط طبیعی آن را تعریف می‌کند. این نگرش که در علم محیط‌شناسی و دیگر علوم برنامه‌ریزی شهر و روستا پیشینه دارد، در علم حقوق دیده نمی‌شود. حقوق به دنبال اعمال ضمانت اجراهاست. با این وصف، از آن جا که باید گفتمان‌های قضایی را درست دید، به باور نگارنده وقتی هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰، احداث دامداری در محیط روستا با رعایت مقررات را تغییر ناهم‌سوی کاربری اراضی روستایی نمی‌داند، این رأی تنها یک رأی قضایی نیست. رأی است که از نگاه اصول، روش و نگرش محیطی، آموزنده و راهبر است.

کلیدواژه

تغییر همسو، روستا، همزیستی.

۱. سرآغاز

شهر و شهرستان و بزرگ‌تر از آن انجام می‌شود. کار و کاربری در روستا آیا باید با این حقیقت محیطی روستا سازگار باشد؟ نخستین رهیافت مواجهه با روستا و اراضی کشاورزی و باغ در آن می‌تواند همان مواجهه مبتنی بر حقوق خصوصی و مالکیت باشد. هر کس مالک هر مالی است، بر آن سلطه دارد. پس می‌تواند هر تصرفی در آن بنماید. به باور نگارنده، این رهیافت موجب مرگ روستا با رقابت برای شهر شدن می‌شود.

رهیافت دیگر این است که از لحاظ اداری برخی کاربری‌ها برای روستا تعریف شده و پایش شود. این رهیافت هم می‌تواند بسته به نگاه تعریف‌کننده، موجب

روستا که اصلی و مبنایی‌ترین تقسیم از تقسیمات کشوری است، محیطی قابل درک دارد. باری، در «حقوق سرزمین» یا «تقسیمات کشوری»، هر بخش معنایی دارد مانند تشکیل اجتماع کوچک در روستا و سپس چند روستا و ده به شهر و چند شهر و شهرستان و همین‌طور تا استان و کشور. با این وصف، این معنا از روستا تهی از بعد فلسفی و محیط‌شناسی آن نیست. حقیقت محیط روستا چیست که چنین نقشی بدان در قانون داده‌اند؟ این موضوع در دانش حقوق کمتر بررسی شده و می‌شود. کاری که در محیط روستا انجام می‌شود مشابه کاری نیست که در محیط

زوال حقیقت روستا در محیط طبیعی خود شود. به بیان دیگر، با تغییر نگاه‌ها در روستا تغییرات مهلکی پدید آید. پس ناگفته پیداست که نخستین پرسش این پژوهش این است که روستا چیست؟ حقیقت محیط زیست روستا چیست؟ چه اهمیتی دارد که محیط روستا، همچنان روستا بماند و در آن کارهای ناهمسو با این حقیقت و فلسفه طبیعت آن انجام نشود.

دیوان عالی کشور به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی با رأی وحدت رویه که رأیی الزام‌آور برای همه مراجع قضایی و اداری کشور است، نظم قضایی را راهبری می‌کند. هیئت عمومی وحدت رویه این دیوان تا کنون چند رأی درباره کاربری زمین کشاورزی و باغ صادر کرده است (مانند رأی‌های شماره ۷۰۷ و ۷۲۴ و ۷۳۰). افزون بر این‌ها، یکی از فلسفی‌ترین این رأی‌ها رأی شماره ۷۶۰ است که به تاریخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ صادر شده است. در این رأی دیوان عالی کشور احداث دامداری در محیط روستا را چنانچه بر بنیاد ضوابط و مقررات باشد، تغییر کاربری ناهمسو با کشاورزی و باغداری محیط زیست روستایی ندانسته است. ظاهر این رأی حفاظت از کاربری زمین است ولی، به باور نگارنده این رأی به فلسفه محیط روستا توجه دارد. بایسته است پیش از هر چیز یادآوری شود که رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، برابر ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، از «هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود» صادر می‌شود تا این هیئت عالی رتبه قضایی «موضوع مورد اختلاف» میان دادگاه‌ها یا میان دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور «را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است» و از همه مهمتر این که این رأی «فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر» قابل تغییر است.

بررسی این رأی که یکی از فلسفی‌ترین رأی‌های دیوان عالی کشور است در این نوشته به پاسداری از حقوق محیط زیست روستا از دیدگان می‌گذرد و نگارنده باور دارد که این رأی از دیوان عالی کشور، می‌تواند سرآغاز نگرش فلسفی یا هستی و چیستی‌گرایانه در مواجهه قضایی با تغییر کاربری مضر به محیط روستا باشد که امروز یکی از آفات مدرن کشاورزی و باغداری به شمار می‌آید؛ مطالعه‌ای که به باور پژوهنده، برای دانشمندان علم محیط‌شناسی که به این موضوع و محیط آن با علاقه می‌پردازند، می‌تواند موضوع و پژوهش‌گیری باشد.

این نوشته سه بند دارد: نخست مواجهه سنتی و مبتنی بر حقوق خصوصی؛ دوم گزارشی از رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور و سوم بررسی مبانی فلسفی رأی برای پاسداری از روستا.

۱- مواجهه سنتی با مفهوم و محیط روستا بر بنیاد نگرش حقوق خصوصی

آن چه در فقه اسلامی گفته شده و مبنای بسیاری از قواعد حقوقی در فقه امامیه و حقوق مدنی ما است که مالک را مسلط بر اموال خود می‌داند: «الناس مسلطون علی اموالهم»، در حقوق خصوصی رکن است. استاد دکتر ابوالقاسم گرجی ملکیت حقوقی را یکی از مراتب سلطنت و در کنار مالکیت حقیقی یا تام که از آن خداوند است، دانسته است؛ این مالکیت امری اعتباری است (گرجی، ۱۳۷۵).

ماده ۳۰ قانون مدنی نیز با همین پیشینه در این باره حکم روشنی دارد «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» و بر بنیاد اصل ۴۷ قانون اساسی نیز «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند». این حکم اولیه است ولی، هم در قانون مدنی و هم در قانون اساسی اشاراتی به استثنای این اصل شده است.

۵۰ آنگاه که به وظیفه عمومی بودن حفاظت از محیط‌زیست اشاره دارد:

«در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد».

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

بر بنیاد قاعده تسلیط، این فقط مالک است که می‌تواند کاربری ملک خود را معین و مشخص کند. در این شرایط سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر قانونگذار دست به تعریف کاربری املاک خصوصی مردم بزند یعنی شیوه بهره‌برداری مالک از ملک خودش را مشخص کند، آیا این کار دخالت در حق مالکیت موضوع حقوق خصوصی است؟

اگر پاسخ مثبت باشد مبنایی نمی‌توان برای آن یافت مگر همین نفع عمومی یا حفاظت از محیط‌زیست یا بهره‌برداری به دور از تبعیض.

ملی شدن جنگل و مرتع نیز به باور نگارنده نوعی تعریف کاربری همگانی برای عموم است که شدت و حدت آن، چنان بالاست که به سلب مالکیت خصوصی و دیگر محدودیت‌ها مانند ممنوعیت انتقال و توقیف، و اختصاص به هدف قانونگذار می‌انجامد. این کار آنچنان که بررسی شده، در تصویب‌نامه قانونی جنگل‌ها به سال ۱۳۴۱ محقق شد.

بر همین بنیان، در حقوق ما مراتب محدودتری برای تعریف و تعیین کاربری دیده می‌شود و پژوهشگران در این باره نوشته‌اند (پیلوار، و محبی سالکده، ۱۳۹۶) اما، همان

برای نمونه، در همین ماده ۳۰ عبارت «... مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» آمده است یا این که در اصل ۴۴ قانون اساسی مقنن این قانون پس از این که انواع مالکیت در جمهوری اسلامی را برشمرده، آورده است که «مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند».

نمونه بارز این استثنا در قانون مدنی که بعدها در قانون اساسی نمود یافت اضرار به دیگری یا منافع عمومی است که یادآور همان نزاع سستی تعارض اصل تسلیط و اصل لاضرر در فقه اسلامی است با این تفاوت که در قانون اساسی افزون بر منع ضرر به حقوق خصوصی، زیان به حقوق و منافع عمومی نیز مورد حکم بوده است.

ماده ۳۲ قانون مدنی :

«کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

اصل ۴۰ قانون اساسی:

«هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

دکتر کاتوزیان پس از این که درباره اصل تسلیط و اصل لاضرر بحث کرده و مورد اخیر را بر مورد نخست حاکم دانسته است، می‌نویسد: «قانون اساسی میراث چنین تعلیماتی است و روح حقوقی ما در بخش مالکیت باید منزه از خشونت‌های سرمایه‌داری رومی شود» (کاتوزیان، ۱۳۹۲؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: پیلوار، ۱۳۹۱).

به‌ویژه در حقوق محیط زیست و بهره‌برداری از منابع طبیعی دو اصل درخشان در قانون اساسی رخ‌نمایی می‌کند که هر دو می‌تواند مالکیت خصوصی را تحت الشعاع قرار دهد؛ اصل ۴۸ آن‌جایی که تأکید به منع تبعیض دارد و اصل

بتوان یکی از بی‌خطرترین تغییرات روستایی را گردشگری روستایی دانست. (محمودی چناری و مطیعی لنگرودی و فرجی سبکبار و قدیری معصوم و یاسوری، ۱۳۹۸؛ شاهی‌پور و مجتبی‌زاده، ۱۳۹۵) ایشان تأیید کرده‌اند که ایجاد اشتغال، تعامل فرهنگی، بهبود محیط زیست، و بهبود توجه دولت به منطقه و همچنین جلوگیری از مهاجرت با توسعه گردشگری در این روستا پدید آمده است..

پس باید برای روستا به‌عنوان بخشی از کشور برنامه‌ریزی داشت که «هدف از برنامه‌ریزی کاربری سرزمین در شرایط فعلی، مکان‌یابی برای توسعه نیست بلکه هدف هماهنگسازی توسعه و کاهش تضاد کاربری‌ها و بهینه‌سازی توسعه است» (اسکندری و مرادی، ۱۳۹۱). بر این اساس در کشور ما قوانین متعددی برای مقابله با تغییر کاربری اراضی وضع شده است مانند حکم ماده ۱۹ «قانون مربوط به اصلاحات ارضی» مصوب ۱۳۴۰ که چنین حکمی را مقرر داشته و بعدها «ماده واحده» قانون نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی» مصوب ۱۳۵۱ درباره آن وضع شد:

زمین‌هایی که بنا به مقررات این قانون تقسیم می‌شود به رئیس خانوار انتقال داده می‌شود و در واگذاری اراضی از لحاظ تقدم ترتیب‌بزر رعایت می‌شود:

الف. زارعین هر ده که در همان زمین به زراعت مشغولند و مقیم ده باشند.

ب. وراثت زارعینی که حداکثر یک سال قبل از شروع تقسیم در آن منطقه فوت کرده باشد.

پ. کشاورزانی که کمتر از حداقل معین شده برای هر منطقه طبق ماده ۲۱ زمین دارند.

ت. کسانی که دانشکده‌ها و دبیرستان‌های کشاورزی و دامپزشکی و دانشسرای کشاورزی دوره‌های حرفه‌ای کشاورزی را که از طرف دولت به رسمیت شناخته شده یا بشوند طی کرده و دارای زمین نیستند یا کمتر از حداقل معینه برای منطقه طبق ماده ۲۱ زمین دارند.

اندازه که تعریف کاربری اراضی در حقوق امری چالش‌برانگیز است و به سبب محدودیت در مالکیت، مذبوم و مورد نقد است، این کار در برنامه‌ریزی شهری به این سبب که مانع سوداگری گروه‌های خاص نسبت به زمین و بروز مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌شود، امری محبوب و مورد تأیید است (زیاری و حسینی و حسینی و مینایی، ۱۳۸۹). دانشمندان این علم از عدالتی به نام «عدالت فضایی» سخن می‌گویند که به نظر می‌رسد مقصود از آن عدالت در دسترسی برابر به امکانات شهری و روستایی است که باید با برنامه‌ریزی عادلانه در اختیار همه قرار بگیرد (محمودزاده و عسکرنژاد و رضازاده، ۱۳۹۵). تعریف و اختصاص فضاهای شهر و روستا مبانی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی و فلسفی ویژه‌ای دارد برای نمونه برخی پژوهشگران شش معیار برای فضای عمومی آورده‌اند: باز بودن فضا، مثبت بودن، فراگیر بودن، در دسترس بودن، اجتماعی بودن و سازگار بودن فضا و در هر حال آن را دارای مفهومی نسبی دانسته‌اند (اشرفی و پوراحمد و رهنمایی و رفیعیان، ۱۳۹۳).

با این وصف، پژوهش‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که متهم ردیف اصلی تغییر کاربری روستاها، توسعه شهرنشینی است. بنابر یکی از تحقیقات، تغییر کاربری در روستا محرک‌های بیرونی مانند ارث، خدمات زیربنایی، نزدیکی به مراکز کار، نزدیکی به شهر، دسترسی به راه‌های اصلی، افزایش تمایل به گذران اوقات فراغت دارد و از نگاه تغییرات درونی روستا نوعی دگردیسی اقتصادی - اجتماعی که ناشی از کمبود آب کشاورزی، کمبود درآمد کشاورزی، کاهش بازدهی تولید، قطعه قطعه شدن اراضی، افزایش قیمت اراضی کشاورزی، پایین بودن قیمت اراضی روستایی، مهاجرپذیری روستا، وجود چشم اندازه‌های طبیعی و افزایش تقاضا برای خانه‌های دوم است و در نهایت این‌ها موجب دگردیسی کاربری کشاورزی به تجاری و کارگاهی، مسکونی، خدماتی و باغ و ویلا شده است (سجاسی قیداری و صدرالسادات، ۱۳۹۴). شاید

قزوین به شماره بایگانی ۹۴۱۱۰۳ که طی آن‌ها با اختلاف استنباط از مقررات قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، آراء متفاوت صادر شده است به شرح زیر است:
الف. شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین در پرونده شماره ۹۰۰۴۹۹ در مورد محکومیت آقای محمدیوسف ... به علت تبدیل زمین زراعی به دامداری موضوع دادنامه ۵۹۳ - ۱۳۸۹/۱۰/۱۹ دادگاه عمومی بخش اسفرورین، طی دادنامه ۱۰۷۲ - ۱۳۹۰/۸/۱۱ چنین رأی داده است:

«در خصوص درخواست اعاده دادرسی آقای ابوالفضل ... وکیل دادگستری به وکالت از آقای محمدیوسف ... نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰ - ۲۲/۲/۱۳۹۰ شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قزوین که در مقام تأیید دادنامه شماره ۵۹۳ - ۱۳۸۹/۱۰/۱۹ دادگاه عمومی بخش اسفرورین صادر و به موجب آن موکل مشارالیه (محمدیوسف ...) به اتهام تغییر اراضی زراعی و باغ‌ها به دامداری به قلع و قمع بنا و پرداخت یک برابر ارزش ملک محکوم شده و پس از اعاده دادرسی در شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۶۳۵ - ۱۳۹۰/۶/۱۲ با پذیرش اعاده دادرسی پرونده به این دادگاه ارجاع شده؛ نظر به محتویات پرونده و گزارش سازمان جهاد کشاورزی شهرستان تاکستان مبنی بر تغییر کاربری اراضی زراعی به دامداری و با عنایت به تبصره ۴ ماده [یک] قانون اصلاح قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها (الحاقی ۱۳۵۸/۸/۱) و اینکه حسب این تبصره قانونی تغییر اراضی زراعی به دامداری در واقع بهینه کردن تولیدات بخش کشاورزی محسوب و مشمول تغییر کاربری که ممنوع است، نیست. فلذا با این وصف نظر به اینکه اقدام معموله از جانب متهم با توجه به مجوز قانونی جرم محسوب نمی‌شود، ضمن پذیرش اعاده دادرسی و نقض دادنامه‌های مذکور صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قزوین و دادگاه عمومی بخش اسفرورین در این خصوص مستند به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی

ث. کمک کشاورزان مقیم منطقه تقسیم.
ج. افرادی که داوطلب به کار کشاورزی باشند.
تبصره ۱. در تقسیم زمین به هر یک از طبقات مندرج در این ماده کسانی که تعداد اولادشان بیشتر است مقدم خواهند بود و در صورت تساوی شرایط قرعه‌کشی خواهد شد.
تبصره ۲. اشخاصی که بیش از حداقل معینه برای هر منطقه طبق ماده ۲۱ زمین دارند و مشمولین قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۲۲ دی ماه ۱۳۳۷ مجلسین حق گرفتن زمین‌های مورد تقسیم از طرف دولت را ندارند مگر در صورت استعفای از کار خود و اشتغال به کشاورزی و سکونت در ده. مالکینی که از مقررات بند ۷ و ۸ ماده ۳ قانون استفاده می‌نمایند از این تبصره مستثنی هستند»^۱.

یا احکام «قانون گسترش کشاورزی در قطب‌های کشاورزی» مصوب ۱۳۵۴ یا «قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی و اقتصادی» سال ۱۳۸۳ و «قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها» مصوب ۱۳۷۴ که موضوع رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰ است و گزارشان از دیدگان می‌گذرد.

ترجیح بررسی این رأی در این گفتار این است که مصداق بارز تغییری را در روستا نشان می‌دهد که موافق هویت و طبیعت و اهداف آن است. چیزی که از لحاظ فلسفی، ریشه در نوع تصرف بشر در طبیعت دارد که این بار تعرض‌آمیز نیست. به باور نگارنده احداث دامداری در روستا، مصداق تصرف طبیعی طبیعت در طبیعت یا همسو با آن است.

۲. گزارش پرونده وحدت رویه دیوان عالی کشور:

برابر گزارش منتشر شده از این رأی^۲، خلاصه جریان پرونده‌های شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین به شماره بایگانی ۹۰۰۴۹۹ و شعبه نخست تجدیدنظر استان

کیفری قرار منع تعقیب متهم را صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است.»

ب) شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان مرقوم در پرونده شماره ۹۴۱۱۰۳ در مقام رسیدگی به اعتراض جهاد کشاورزی تاکستان نسبت به دادنامه ۱۲۲۳-۱۳۹۴/۹/۲۴ دادگاه عمومی بخش اسفرورین که طی آن درباره شکایت مدیریت جهاد کشاورزی محل از آقای نورعلی ... به اتهام تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغی به مساحت ۶۰۰ متر مربع و تبدیل آن به دامداری با توجه به تبصره ۴ ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها (الحاقی ۱۳۸۵) که احداث دامداری را تغییر کاربری نمی‌داند قرار منع تعقیب کیفری صادر کرده است، دادنامه ۱۱۳-۱۳۹۴/۱۱/۱۹ را به شرح ذیل صادر کرده است:

«در خصوص تجدیدنظرخواهی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان تاکستان به طرفیت آقای نورعلی ... نسبت به دادنامه شماره ۱۲۲۳-۹۴۰۹۹۷۲۸۳۹۱۰ مورخ ۲۴/۹/۱۳۹۴ صادره از شعبه دادگاه عمومی بخش اسفرورین که به موجب آن تجدیدنظر خوانده (متهم بدوی) از اتهام انتسابی دایر به تغییر غیرمجاز کاربری مقدار ۶۰۰ متر مربع از اراضی زراعی روستای دیال‌آباد از طریق احداث دامداری، قرار منع تعقیب حاصل کرده است، با عنایت به تصریح قانونگذار در ماده یک قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب سال ۱۳۸۵ و تبصره ذیل آن که هرگونه تغییر کاربری بدون اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح قانونی را مشمول ممنوعیت عام مذکور در قانون مرقوم دانسته است، با پذیرش اعتراض معترض و نقض دادنامه بدوی وفق بند ب ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه محترم بدوی اعاده می‌نماید. رأی صادره قطعی است.»

بدین ترتیب از شعب دادگاه‌های تجدیدنظر استان قزوین به شرح دادنامه‌های صدرالاشعار با اختلاف استنباط از مقررات موضوع ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی

زراعی و باغ‌ها و تبصره‌های آن و شمول مقررات ماده ۳ اصلاحی ۱۳۸۵/۸/۱ این قانون نسبت به تبدیل اراضی زراعی و باغات به دامداری آراء متهافت صادر شده است موضوع برای صدور رأی وحدت رویه در هیئت عمومی دیوان عالی کشور طرح می‌شود. دادستان کل کشور نیز پیش از صدور رأی چنین نظر می‌دهد:

«موضوع بحث در این دو پرونده که منتهی به صدور آراء مختلف در موضوع واحد شده، آن است که شخصی زمین زراعی خود را بدون مجوز قانونی به دامداری تغییر کاربری داده است. شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین رفتار ارتكابی را جرم ندانسته و اعتقاد به برائت مرتکب دارد، ولیکن شعبه اول همان دادگاه، رفتار ارتكابی را جرم دانسته و مرتکب را مشمول مجازات مقرر در ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات بعدی دانسته است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و تبصره ۴ همان ماده و بند د ماده یک آیین‌نامه اجرایی همان قانون مصوب هیئت وزیران و نیز ماده یک دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیرمجاز مصوب وزیر جهاد کشاورزی، نظر شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین با اضافه کردن این نکته صائب است که «تبدیل زمین زراعی به دامداری در صورتی دارای وصف جزایی نیست که به تشخیص کمیسیون مربوط مانع از تداوم تولید و بهره‌برداری و استمرار کشاورزی نباشد» یعنی چنانچه زمین زراعی به دامداری مانع از تداوم تولید و بهره‌برداری و استمرار کشاورزی شود، بر اساس ماده یک دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیرمجاز، مصداق تغییر کاربری غیرمجاز تلقی شده و مشمول مجازات مقرر در ماده ۳ قانون حفظ کاربری ... خواهد بود.»

هیئت عمومی دیوان عالی کشور پس از مشاوره این گونه رأی می‌دهد:

«بر حسب مستفاد از تبصره ۴ الحاقی به ماده یک قانون

حفظ می‌کند که یکی از مهمترین آن‌ها به تعبیر پژوهشگران «توجه به طبیعت و همزیستی با آن» است (راهب، ۱۳۸۶). پس اگر چه برخی پژوهشگران توسعه ارتباطات جمعی را در تحول مفهوم و مصداق روستا به شهر مؤثر دانسته‌اند و این تحول را امری مطلوب توصیه کرده‌اند (بالاسانیان، ۱۳۵۳) ولی، این رویکرد در ایران کنونی تنها راهکار نیست و در اثربخشی آن نیز با توجه به حجم تغییرات کاربری که گزارش کردن آن در این نوشته میسر نیست، مورد تشکیک و تردید است از این رو، باید پذیرفت و دیدگاه پژوهشگران را تأیید کرد که «آنچه مسلم است نظام اجتماعی روستا دارای ساختاری است سنتی. در جوامع سنتی غالباً خروج از محور تعادل در مسیر صحیح با مخالفت روبه‌رو می‌شود. مگر آنکه این خروج به صورت دفعی صورت پذیرد. جوامع روستایی ما که غالباً به بالندگی ذهنی لازم برای نقد خود و نگاه خارج از سامانه درونی خود، به خود نرسیده‌اند، در مواجهه با هر ساختاری که دارای نظامی قوی‌تر است، به یکباره و به صورت دفعی فرو می‌ریزند و ارزش‌هایشان رنگ می‌بازد؛ در عین حال آنچه باید بر آن همت گماشت، حفظ تداوم تاریخی سکونتگاه‌های روستایی و پرهیز از اعمال نیروهای دفعی در محیط است تا به ایجاد بحران در آن نینجامد؛ لذا فراهم آوردن امکان رشد فرهنگی، تضمین تداوم زندگی روستایی است» (راهب، ۱۳۸۶).

باید پذیرفت که دست زدن به محیط روستا و اراضی آن باید با همین نگاه فلسفی به محیط زیست روستا باشد و الا امری است که به بحران هویتی و افتخار پوشالی تبدیل شدن روستا به شهر، آن هم از گونه تحقیرآمیز آن، محکوم است. اگر با این نگاه به «قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها» مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی نگرسته شود هویت محیط زیست روستایی حفظ خواهد شد.

۲. قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها چه می‌گوید که موجب صدور رأی وحدت رویه حاضر درباره محیط روستا شده است؟ ماده ۳ این قانون مصوب ۱۳۷۴

حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، احداث دامداری و سایر موارد مذکور در آن، در روستاها، با موافقت سازمان‌های جهاد کشاورزی و رعایت ضوابط زیست محیطی، بهینه کردن تولیدات بخش کشاورزی بوده و تغییر کاربری محسوب نمی‌شود و از شمول ماده ۳ اصلاحی قانون مذکور خارج است و در صورت عدم رعایت شرایط مقرر در تبصره که فوقاً به آن اشاره شد، ضمانت اجرای تخلف از شرط، که در قوانین مربوط پیش‌بینی شده از سوی دستگاه‌های ذیربط، در مورد متخلفین، قابل اعمال و اجرا است. بر این اساس رأی شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است».

۳. بنیان‌های پاسداری از مفهوم و محیط زیست روستا

۱- این رأی یکی از فلسفی‌ترین رأی‌های وحدت رویه دیوان عالی کشور است چرا که به مفهوم و محیط‌زیست روستا از نگاه فلسفی (حقیقت، چیستی و هستی) توجه می‌کند. به بیان دیگر، دیوان عالی کشور تفسیری از بزه تغییر کاربری ارائه می‌دهد که بسیار از مفهوم محیط روستایی و نوع تصرف در آن، از جمله نوع تغییر، متأثر است.

گرچه روستا از بعد تقسیمات کشوری مبدأ این تقسیمات است (ماده ۲ «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری»^۳ مصوب ۱۳۶۲) و معیارهای شناخت حدود آن به شرح ماده ۳ «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»^۴ مصوب ۱۳۸۴ اما در این رأی این بعد سیاسی مستقیماً مد نظر نیست.

روستا به معنای آبادی محیطی است که ساختار ویژه خود را دارد و با وجود تمامی تغییرات و تحولاتی که در مقایسه با شهر و جهان به خود می‌بیند، ارزش‌های خود را

زراعی و باغ‌ها به قیمت روز زمین با کاربری جدید که مورد نظر متخلف بوده است و در صورت تکرار جرم به حداکثر جزای نقدی و حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد.

تبصره ۲: هریک از کارکنان دولت و شهرداری‌ها و نهادها که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالحه تخطی کرده باشند ضمن ابطال مجوز صادره به جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغ‌ها به قیمت روز زمین با کاربری جدید که مورد نظر متخلف بوده است و در صورت تکرار علاوه بر جریمه مذکور به انفصال دائم از خدمات دولتی و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. سردفتران متخلف نیز به شش ماه تا دو سال تعلیق از خدمت و در صورت تکرار به شش ماه حبس و محرومیت از سردفتری محکوم می‌شوند.

تبصره ۴ الحاقی به ماده یک نیز چنین مقرر می‌کند:

«احداث گلخانه‌ها، دامداری‌ها، مرغداری‌ها، پرورش ماهی و سایر تولیدات کشاورزی و کارگاه‌های صنایع تکمیلی و غذایی در روستاها بهینه‌کردن تولیدات بخش کشاورزی بوده و تغییر کاربری محسوب نمی‌شود. موارد مذکور از شمول این ماده مستثنی بوده و با رعایت ضوابط زیست‌محیطی با موافقت سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها بلامانع است.»

۳. روشن است که مقنن در مواد بالا اشاره‌ای به دامداری نمی‌کند آن چنان که به تغییرات دیگر مانند پرورش گل، زنبورداری، پرورش ماهی در شالیزار و بالجمله هر اقدامی که کاربری قبلی را به کاربری جدید تغییر دهد، اشاره‌ای نمی‌کند. دامداری و دامپروری چیست که انجام و احداث آن در محیط زیست روستا درست به نظر آمده؟

صرف نظر از برداشت متعارف از این واژگان، بندهای ج و د ماده ۱ «قانون جامع دامپروری» مصوب سال ۱۳۸۸ چنین آورده است:

ج - دامپروری به علم و فن مدیریت در پرورش، تغذیه

چنین مقرر می‌داشت: «مالکین یا متصرفین اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که غیر مجاز، اراضی زراعی و باغ‌ها را تغییر کاربری دهند علاوه بر الزام به پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر بهای اراضی و باغ‌ها به قیمت روز زمین با کاربری جدید محکوم خواهند شد. در صورت تکرار جرم علاوه بر مجازات مذکور به حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد. وزارت کشاورزی موظف است پرونده‌های متخلفین از این قانون را به مراجع قضائی ارسال تا مراجع مذکور دستور توقیف عملیات مربوط به موارد مذکور در این قانون را صادر و در خارج از نوبت رسیدگی و بر اساس ضوابط مربوطه حکم قطعی صادر کنند.

تبصره ۱: سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و نهادهای عمومی و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی که شمول قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام است نیز شامل مقررات این قانون هستند.

تبصره ۲: هر یک از کارکنان دولت و شهرداری‌ها و نهادها که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالحه تخطی کرده باشند به جزای نقدی تا سه برابر بهای اراضی و باغ‌ها به قیمت روز زمین با کاربری جدید و در صورت تکرار علاوه بر جریمه مذکور به انفصال دائم از خدمات دولتی و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. سردفتران متخلف نیز به شش ماه تا دو سال تعلیق از خدمت محکوم خواهند شد.

در سال ۱۳۸۵ اصلاحاتی در این قانون با «قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها» انجام می‌شود که برای نمونه تبصره ۴ به ماده ۱ اضافه می‌شود و به موجب ماده ۴ آن، ماده ۳ و تبصره ۲ آن اصلاح می‌شود:

«کلیه مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره (۱) ماده (۱) این قانون اقدام به تغییر کاربری نمایند، علاوه بر قلع و قمع بنا، به پرداخت جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی

که شده است، از لحاظ فلسفی باید تغییری را درست دانست، یا اساساً رفتاری را تغییر دانست که متضمن تصرف در ذات طبیعت و سلطه قهرآمیز باشد؛ چیزی که مارتین هایدیگر آن را انتظار بی‌جا از طبیعت و تعرض بدان برای استخراج و ذخیره انرژی از دل طبیعت نامیده بود و نفی می‌کرد (هایدیگر، ۱۳۷۷).

به باور نگارنده احداث دامداری در طبیعت روستا انکشاف تعرض‌آمیز برای سلطه بر طبیعت و محیط‌زیست روستا نیست و از این رو باید رأی شماره ۷۶۰ را رأیی درست دانست که مبانی فلسفی مقبولی دارد و با حقوق مالک و شغل دامداری همسو است؛ شغلی که مکمل کشاورزی در محیط روستا است.

۵. چنین به دیدگان می‌رسد که بر این بنیاد فلسفی و ضرورت حفظ مفهوم روستا و توجه به مصادیق توسعه روستایی بوده است که مقنن در اصلاحات سال ۱۳۸۵ بر قانون حفظ کاربری دست به تکمیل حکم مواد قانون سال ۱۳۷۴ می‌زند و مشاغلی همچون «احداث گلخانه‌ها، دامداری‌ها، مرغداری‌ها، پرورش ماهی و سایر تولیدات کشاورزی و کارگاه‌های صنایع تکمیلی و غذایی در روستاها» که برای «بهینه‌کردن تولیدات بخش کشاورزی» است را تغییر کاربری ندانسته و می‌گوید اگر این موارد با رعایت ضوابط زیست محیطی با موافقت سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها انجام شود از شمول این ماده مستثنی بوده و انجام آن بلامانع دانسته است (تبصره ۴ ماده ۱).

از نظر نگارنده حتی اگر مقنن چنین صراحتی را در بیان برنمی‌گزید و اصول و رهنمون‌ها را فرار و قرار نمی‌داد نیز، باز منطق حیات روستا و فلسفه آبادی و ضرورت حفظ و نگهداری از بستر و محیط و زندگی آن ایجاب می‌کرد تا دیوان عالی کشور در مقام تفسیر آرای متعدد، رأیی را برگزیند که به مقصود «بهینه‌کردن تولیدات بخش کشاورزی» در محیط‌های روستایی بیانجامد.

۶. مقوله «بهینه‌کردن تولیدات بخش کشاورزی» به نوعی تکلیفی را برای وزارت جهاد کشاورزی در ماده ۱۰

و اصلاح نژاد دام به منظور دستیابی به استانداردهای ملی و بین‌المللی اطلاق می‌شود.

د - دامداری به محل تولید، پرورش و نگهداری انواع دام اطلاق می‌شود.

برابر ماده ۵ این قانون «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی، تعاونی و خصوصی که مبادرت به فعالیت دامپروری صنعتی و نیمه صنعتی می‌نمایند، موظف به اخذ موافقت اصولی، پروانه تأسیس، پروانه بهره‌برداری و پروانه بهداشتی بر اساس سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی و با نظارت وزارت مذکور هستند» و قانونگذار برابر تبصره ۳ نیز گرچه «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی، تعاونی و خصوصی که قبل از تصویب این قانون اقدام به ایجاد واحدهای دامداری صنعتی و نیمه صنعتی کرده و فاقد مجوزهای لازم هستند، موظفند حداکثر ظرف دو سال پس از تصویب این قانون، نسبت به اخذ مجوزها و پروانه‌های مندرج در این ماده اقدام کنند. در غیر این صورت وزارت جهاد کشاورزی با هماهنگی دستگاه‌های قضایی و انتظامی، موظف است از ادامه فعالیت آنان جلوگیری به عمل آورد» ولی در تبصره ۴ امر «ساماندهی واحدهای دامداری روستایی، عشایری و غیرصنعتی بر اساس دستورالعملی خواهد بود که حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ می‌شود» که نمود دیگری است از توجه قانونگذار به مفهوم روستا و فلسفه حیات و زندگی در آن از نگاه محیط شناسانه به موضوعات نگریسته می‌شود.

۴. پس اگر دیوان عالی کشور در اختلاف این برداشت دادگاه‌ها که آیا احداث دامداری برابر ضوابط و اصول، تغییر کاربری است یا خیر به ماهیت محیط‌زیست روستا و عمل دامداری توجه کند و آن را سازگار با هویت و محیط طبیعی روستا بداند رأی آن، رأیی نادرست نخواهد بود چه این که اگر بپذیریم که میل به توسعه و ارتقا‌گرایی موجود و مورد خواست است و لاجرم تغییرات با ظهور و بروز تکنولوژی در جوامع روستایی ایجاد می‌شود آن چنان

مقررات زیست محیطی، بهداشتی و پژوهشی است سخن می‌گوید و حکم ماده ۷ آن که از توجه به طرح‌های توسعه شهری و روستایی حرف زده، بهره برد و مسئولیت مدنی و قلع و قمع و رفع تجاوز به حریم سرمایه‌ای یا تعطیلی محل یا انتقال آن به جایی دیگر را دادخواهی کرد.

۲. نتیجه‌گیری

حقیقت محیط روستا تنها آن چیزی نیست که مقنن آن را اصلی‌ترین مبنای تقسیمات کشوری دانسته است. این حقیقت، تصنعی و ساختگی نیست. طبیعی و واقعی است. این حقیقت، بر بنیاد همزیستی با طبیعت استوار است چیزی که مانع دخل و تصرف تعرض آمیز در آن می‌شود. قانون باید از این حقیقت دفاع کند؛ باید چشم خود را برای دیدن آن باز کند؛ از تعرض بدان بپرهیزد به پاسداری آن قیام کند.

واقعیت این است که در کشور ما به فلسفه محیط روستایی کمتر توجه می‌شود. روستا جولانگاه بازگشت به طبیعت از سوی کسانی شده که طبیعت را برای همزیستی نمی‌خواهند؛ آن‌ها طبیعت و محیط زیست روستایی را برای داشتن و تملک آن می‌خواهند تا کاستی‌های زندگی در شهر را جبران کنند و چون با آمدن به روستا، فرهنگ و تمدن آن جا را دگرگون می‌کنند و نوعی رقابت برای روستاییان در مواجهه با پوشش، گویش، رفتار و منش شهرنشینان پدید می‌آید، سرانجام اراضی روستایی به سرنوشت غم‌انگیز مرگ روستا و تملیک و تملک این اراضی و تغییر هویت آن می‌انجامد. کم نیستند روستاهایی که خالی از سکنه هستند و کم نیستند اراضی کشاورزی و باغ‌هایی که با تغییر کاربری دگرگون شده‌اند. این تغییرات به سود حقیقت محیط زیست روستایی نیست آنچنان که به سود حقیقت محیط شهر هم نیست.

دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰ در ظاهر دست به حل اختلاف دادگاه‌ها می‌زند و رأی را درست دانسته و برای وحدت رویه اقدام می‌کند ولی، به

مقرر کرده است که مصادیق این تغییر را اعلام نماید. بر این اساس دستور العمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز برای این تشخیص‌ها در سال ۱۳۸۶ به تصویب می‌رسد.^۵

۷. حقوق نمی‌تواند چشم خود را به این بنیادهای فلسفی مفاهیم و داده‌های علمی محققان علوم محیط‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری و روستایی و اقتصادان‌هایی ببندد که به بهینه‌سازی به جای بهره‌برداری مسلط یا بهره‌وری پایدار می‌اندیشند، و هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز از آن مستثنی نیست. کار دیوان عالی کشور در توجه به این بنیادهای فلسفی در مفهوم تکنولوژی سازگار با محیط زیست روستا ستودنی است.

۸. باری، آنچنان که پژوهشگران به نیکی نگاشته‌اند: «زندگی انسان در روستا در رابطه با طبیعت شکل گرفته است. طبیعت در طول تاریخ برای انسان روستایی مجرای تحقق حیات بوده و البته این، برای تمام انسان‌ها صادق است؛ اما روستایی چون در مواجهه مستقیم با موضوع قرار می‌گیرد و از نزدیک رابطه حیات خود را با مرگ و زندگی طبیعت می‌بیند، لذا درک صحیح‌تری نسبت به آن می‌یابد و پیوسته به طبیعت به دیده احترام می‌نگرد، چرا که طبیعت، مادر اوست و روزی‌اش وابسته به کرم طبیعت. او این رابطه را رابطه‌ای متداوم می‌بیند و برای حفظ این تداوم، طبیعت را منبع ذخایر و کار خود را بهره‌کشی از آن نمی‌بیند؛ طبیعت برای او یک بستر گسترده است که رابطه‌ای متعامل بین آن دو برقرار است» (راهب، ۱۳۸۶).

با این وصف، نباید چنین پنداشت که با صدور این رأی وحدت رویه هرگونه تعرض قهرآمیز به طبیعت و هویت و محیط‌زیست روستا میسر شده. هرگاه چنین اتفاقی روی دهد، حتی اگر کار، دامپروری و محل دامداری باشد، باز موضوع را می‌شود برابر حکم ماده ۶ قانون نظام جامع دامپروری که از رعایت «حریم سرمایه‌ای» که هدفش حفظ امنیت سرمایه‌های مربوط به منابع دامی و تقویت آن و با توجه به نوع سرمایه‌گذاری و با رعایت قوانین و

محدوده ثبتی یا عرفی روستای متبوع خود و به‌طور کلی از لحاظ نظام تقسیمات کشوری جزو آن محسوب می‌شود. تبصره ۴. مزرعه و مکان مستقل دارای محدوده ثبتی یا عرفی معین و مستقل بوده و از لحاظ نظامات اداری زیر پوشش واحد تقسیماتی مربوطه حسب مورد است».

۴. «محدوده روستا عبارت است از محدوده‌ای شامل بافت موجود روستا و گسترش آتی آن در دوره طرح هادی روستایی که با رعایت مصوبات طرح‌های بالادست تهیه و به تصویب مرجع قانونی مربوط می‌رسد. دهیاری‌ها کنترل و نظارت بر احداث هرگونه ساخت و ساز در داخل محدوده را عهده‌دار خواهند بود. تبصره ۱. روستاهایی که در حریم شهرها واقع می‌شوند مطابق طرح هادی روستایی دارای محدوده و حریم مستقل بوده و شهرداری شهر مجاور حق دخالت در ساخت و ساز و سایر امور روستا را ندارد. تبصره ۲. روستاهایی که به موجب طرح‌های مصوب جامع و هادی در داخل حریم شهرها واقع می‌شوند در صورت رسیدن به شرایط شهر شدن، شهر مستقل شناخته نشده و به صورت منفصل به‌عنوان یک ناحیه یا منطقه از نواحی یا مناطق شهر اصلی تلقی و اداره خواهند شد و برای آن‌ها در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی ضوابط و مقررات ویژه متضمن امکان استمرار فعالیت‌های روستایی تهیه و ملاک عمل قرار خواهد گرفت. تبصره ۳. محدوده روستاهای فاقد طرح هادی، با هماهنگی شورای اسلامی روستا توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در قالب بافت مسکونی روستا پیشنهاد شده و به تصویب مراجع قانونی مربوطه در استان می‌رسد. تبصره ۴. درآمد ناشی از ساخت و سازها و عوارض روستاهایی که در حریم شهرها قرار می‌گیرند اعم از روستاهای دارای طرح هادی و فاقد طرح هادی، به حساب دهیاری‌های روستا برای توسعه و عمران و آریز می‌شود. تبصره ۵. در هر محدوده یا حریمی که شهرداری عوارض ساختمانی و غیره را دریافت می‌کند موظف به ارائه تمامی خدمات شهری است».

۵. دستورالعمل ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی باغ‌ها موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۹۸۷۹/ت/۳۷۱۱۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ هیئت محترم وزیران که با همکاری وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، صنایع و معادن و سازمان‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و حفاظت محیط‌زیست تهیه شده است.

باور نگارنده این دیوان با این رأی نگرش فلسفی خود به حقیقت محیط روستایی را نشان داده است و نظر به تأییدات قانونی و سوابق قانونگذاری، احداث دامداری که شغل مکمل کشاورزی است را در روستا به شرط رعایت ضوابط و مقررات مصداق بزه تغییر کاربری در قانون ندانسته است. این نگرش دیوان عالی کشور، بسی ارزشمند است و می‌تواند رهنمونی باشد برای حل دیگر چالش‌های قضایی حوزه حقوق محیط‌زیست و محیط‌شناسی. این رأی نشان می‌دهد که دانشمند حقوق می‌تواند چشم خود را به روی وقایع و حقیقت موضوعات بگشاید و دانشمند محیط‌شناسی با نگاه تخصصی خواهد توانست درباره کارآمدی و ناکارآمدی قواعد حقوقی موضوعه، تأمل کند. ثمره چنین نگاهی، هم‌افزایی بیشتر برای رفع نقائص و جبران ناکارآمدی‌هاست؛ نگرشی که می‌تواند فقر مطالعات بین‌رشته‌ای را به سوی پیشرفت و غنا ببرد.

یادداشت‌ها

- گرچه این ماده با تبصره ۷۲ قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ نسخ شد و محدودیت‌ها برداشته شد.
- نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۲۳۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۵
- «روستا واحد مبدا تقسیمات کشوری است که از لحاظ محیط زیستی (وضع طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) همگن بوده که باحوزه و قلمرو معین ثبتی یا عرفی مستقل که حداقل تعداد ۲۰ خانوار یا صد نفر اعم از متمرکز یا پراکنده در آنجا سکونت داشته باشند و اکثریت ساکنان دائمی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به یکی از فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، باغداری به‌طور اعم و صنایع روستایی و صید یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال داشته باشند و در عرف به‌عنوان ده، آبادی، دهکده یا قریه نامیده می‌شده است. تبصره ۱. مزرعه نقطه جغرافیایی و محلی است کشاورزی که بنا به تعریف روستا نبوده و به دو شکل مستقل و تابع شناخته می‌شود. تبصره ۲. مکان به نقطه‌ای اطلاق می‌شود که بنا به تعریف روستا نبوده و بیشتر محل انجام فعالیت‌های غیر کشاورزی (کارخانه، ایستگاه، کارگاه، قهوه‌خانه و نظائر آن‌ها) است که به دو شکل مستقل و تابع شناخته می‌شود. تبصره ۳. مزرعه و مکان تابع در

منابع

- اسکندری، س. و مرادی، م. ۱۳۹۱. کاربری اراضی و تحلیل عناصر چشم انداز روستایی سیور از نظر زیست‌محیطی، نشریه محیط‌شناسی، ۳۷(۶۲): ۳۵-۴۴، به ویژه ص. ۴۱.
- اشرفی، ی.، پوراحمد، ا.، رهنمایی، م.ت. و رفیعیان، م. ۱۳۹۳. مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۲(۴): ۴۳۵-۴۶۴.
- بالاسانین، د. ۱۳۵۳. رابطه سیستم ارتباط جمعی و تحول «از روستا به شهر»، نشریه محیط‌شناسی، ۲(۲): ۷۹-۸۶.
- پیلوار، ر. و محبی سالکده، ص. ۱۳۹۶. حقوق ثبت اراضی و املاک روستایی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۲۵-۱۳۰.
- پیلوار، ر. ۱۳۹۱. فلسفه حق مالکیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- راهب، غ. ۱۳۸۶. درنگی در مفهوم روستا، نشریه محیط‌شناسی، ۳۳(۴۱): ۱۰۵-۱۱۶.
- زیاری، ک.، حسینی، س.ع.، حسینی، س.م. و مینایی، م. ۱۳۸۹. تحول در مفهوم و پارادایم برنامه‌ریزی کاربری اراضی، مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۴(۲): ۴۳-۶۰.
- سجاسی قیداری، ح. و صدرالسادات، آ. ۱۳۹۴. شناسایی عوامل مؤثر بر تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری کلان شهر مشهد، پژوهش‌های روستایی، ۶(۴): ۸۳۱-۸۵۶.
- شاهی پور، س. و مجتبی‌زاده، س. ۱۳۹۵. تحلیل پیامدهای گردشگری روستایی بر توسعه (مطالعه موردی: کندوان)، نشریه محیط‌شناسی، ۴۲(۳): ۶۳۷-۶۴۸.
- کاتوزیان، ن. ۱۳۹۲. حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، میزان، ۳۹: ۱۰۷.
- گرچی، ا. ۱۳۷۵. مالکیت در اسلام، در: مقالات حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۲: ۳۰۴.
- محمودزاده، ح.، عسکرنژاد، ر. و رضازاده، ز. ۱۳۹۵. تحلیل توزیع فضای سبز شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۴): ۶۹۱-۷۱۵.
- محمودی چناری، ح.، مطیعی لنگرودی، س.ح.، فرجی سبکبار، ح.، قدیری معصوم، ق. و یاسوری، م. ۱۳۹۸. سنجش ظرفیت محیط روستاهای شهرستان ماسال برای توسعه گردشگری کشاورزی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱۰(۴): ۵۹۶-۶۱۳.
- هایدگر، م. ۱۳۷۷. تکنولوژی چیست؟ در فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران، مرکز، ۱۵ - ۱۸.